

نسخه اصلاح شده

نقش صوری‌سازی قراردادهای بانکی در اقتصاد بخش تولید؛ تحلیل وضعیت و آرایه راهکارهای سیاستی

وهاب قلیچ^۱

۱- استادیار گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، vahabghelich@gmail.com

چکیده

یکی از مشکلات و چالش‌های بیش از سه دهه فعالیت نظام بانکداری بدون ربای ایران که عمدتاً در بخش تخصیص منابع و اعطای تسهیلات بانکی نمود یافته است، مسئله «صوری‌سازی قراردادها» است که طی آن تسهیلات گیرنده، این امکان را دارد تا تسهیلات را در مسیر دیگری جدا از آنچه در متن قرارداد ذکر شده است، مصرف نماید. صوری شدن معاملات، از جمله عللی است که موجب می‌گردد نظام بانکی از دستیابی به هدف موردنظر در قانون دورتر و برداشت عمومی جامعه نسبت به عملکرد نظام بانکی کشور در جهت انطباق با شریعت اسلامی چندان رضایت‌بخش نباشد؛ از این جهت، اهمیت پرداختن به این موضوع مشخص می‌باشد.

عمده تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع صوری‌سازی قراردادهای بانکی، معطوف به ابعاد فقهی و شرعی آن است و کمتر از ابعاد دیگر بدان پرداخته شده است؛ این مقاله سعی دارد تا با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، بدین سوال اصلی بپردازد که از منظر ابعاد اقتصادی، صوری‌سازی قراردادهای نظام بانکی چه نتایج و عوارضی بر جای می‌گذارد؟ بر اساس نتایج برآمده از این تحقیق، عدم مشارکت واقعی بانک در قراردادهای مشارکتی و شیوع فاکتورسازی در قراردادهای مبادله‌ای موجب انحراف منابع بانکی از توابع هدف سیاستگذار اقتصادی در راستای رونق‌بخشی به بخش تولید و اشتغال‌زایی بخش‌های گوناگون اقتصادی و برهم خوردن برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شود. در انتهای این مقاله راهکارهای سیاستی جهت تقلیل این چالش در نظام بانکی آرایه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نظام بانکی، تولید و اشتغال، صوری‌سازی، قراردادهای بانکی

طبقه‌بندی JEL: E , D , G , K

۱- مقدمه

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ کلیه بانکها و موسسات اعتباری فعال در بازار پول ایران به لحاظ فعالیت حقوقی، اسلامی شده و نظام یکپارچه بانکداری بدون ربا در کشور برقرار گردید. این قانون که همچنان در حال اجراست، منجر به آن شده که هیچ بانک یا موسسه اعتباری غیر اسلامی در ایران رسمیت نداشته باشد و کلیه شعب بانکی ملزم باشند تا در چارچوب شریعت اسلامی به فعالیت بپردازند.

قانون عملیات بانکی بدون ربا که هدف اصلی اش حذف عملیات ربوی از نظام بانکی است، از چهار فصل تشکیل شده است: «اهداف و وظایف نظام بانکی»، «تجهیز منابع پولی»، «تسهیلات اعطایی بانکی» و «بانک مرکزی ایران و سیاست پولی». فصل سوم این قانون طی مواد ۷ الی ۱۷ به موضوع تسهیلات اعطایی از طرف بانکها می پردازد که برجسته ترین مشخصه آن نسبت به بانکداری متعارف، اجتناب از ربا است. به موجب این قانون، عمده نیازهای مالی متقاضیان از طریق معاملات و قراردادهای مجاز شرعی تأمین می گردد. قراردادهایی که بانکها می توانند بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا در تخصیص منابع مورد استفاده قرار دهند عبارتند از: قرض الحسنه، مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، مرابحه، استصناع، خرید دین، جاله، مزارعه، مساقات و سرمایه گذاری مستقیم.

اما یکی از مشکلات و چالش های بیش از سه دهه فعالیت نظام بانکداری بدون ربا برای ایران که عمدتاً در بخش تخصیص منابع و اعطای تسهیلات بانکی نمود یافته است، مسئله «صوری سازی قراردادهای» است. صوری بودن بسیاری از معاملات، سبب شده است که نظام بانکی از دستیابی به هدف مورد نظر در قانون دورتر و برداشت عمومی جامعه نسبت به عملکرد نظام بانکی کشور در جهت انطباق با شریعت اسلامی چندان رضایت بخش نباشد. در این بین مراجع عظام تقلید بارها از صوری بودن برخی از قراردادهای بانکی انتقاد کرده اند و مسئولین امر را بر اصلاح این نقیصه فراخوانده اند. نکته جالب توجه آن است که در کشورهای دیگر که از الگوی بانکداری متعارف تبعیت می کنند، واقعی بودن اسناد و مدارک دارای اهمیت است؛ چراکه اعتقاد بر این است که اسناد غیرواقعی و صوری، نشانه ای از عدم تعهد تسهیلات گیرنده بوده و در نتیجه موجب کاهش امکان دسترسی به پول نقد در سررسید برای بانک خواهد شد. از این جهت، اهمیت پرداختن به این موضوع مشخص می باشد.

مرور پژوهش های انجام شده در خصوص موضوع صوری سازی قراردادهای بانکی، نشان می دهد که عمده این تحقیقات معطوف به ابعاد فقهی و شرعی صوری سازی قراردادهای بانکی است و کمتر از ابعاد دیگر بدان پرداخته شده است؛ این مقاله سعی دارد تا با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، بدین سوال اصلی بپردازد که از منظر ابعاد اقتصادی، صوری سازی قراردادهای نظام بانکی چه نتایج و عوارضی بر جای می گذارد؟

در تحقیق پیش رو، پس از بیان پیشینه تحقیق ابتدا به نحو مختصر به مفهوم قصد در معاملات اشاره می شود. سپس پس از تعریف صوری سازی قراردادهای بانکی به مهمترین دلایل رخداد آن و بیان برخی از مصادیق آن در قراردادهای بانکی پرداخته می شود. در ادامه وضعیت صوری سازی در نظام بانکی کشور با ذکر نمونه تجربی از آن تشریح می شود. نقش صوری سازی قراردادهای بانکی در اقتصاد بخش تولید با تاکید بر تسهیلات عقود مبادله ای و عقود مشارکتی و همچنین نقش صوری سازی قراردادهای بانکی در برنامه ریزی های اقتصادی منطقه ای بخش های دیگر از این تحقیق را شکل می دهد. در خاتمه با ذکر راهکارهای سیاستی کاهش صوری سازی، جمع بندی و نتیجه گیری تحقیق ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه تحقیق

تسخیری [۱] با مطالعه جایگاه الفاظ، محتوا و معانی در قراردادهای مالی به این نتیجه می رسد که آنچه از دید آموزه های اسلام قابل دفاع است معنا و مقصود متعاملین است و احکام شرعی معامله بر مقصود مترتب می شود. موسویان [۲] با بررسی قراردادها و آسیب شناسی شیوه های اعطای تسهیلات مورد استفاده در نظام بانکی ایران، پیشنهادهای را در رابطه با اصلاح بخش تخصیص منابع بانک تجاری ارائه داده است.

محقق [۳] با انجام پژوهشی در خصوص تدوین شاخص ربا در نظام بانکداری اسلامی سعی داشته است جدولی که نشان‌دهنده میزان انحراف قراردادها از حیث ربوی بودن است را طراحی نموده و سپس با ارایه دو نسبت (نسبت ارزش قراردادهای ربوی) و (نسبت سود حاصل از ربا)، شاخص ربا در بانکداری اسلامی را تدوین نماید.

آهنگران [۴] با نگاهی جدید به قاعده تبعیت عقد از قصد و با تاکید بر کاربردهای آن در بانکداری اسلامی، سعی نموده مفهوم عقد و قصد و کاربردهای این تحلیل‌ها در عملیات بانکی بدون ربا را از دیدگاه فقهی بررسی و تحلیل نماید.

نظریور و همکاران [۵] در تحقیق خود با معرفی شاخص‌های صوری شدن معاملات بانکی و مطالعه میدانی شعب بانک تجارت شهر مشهد بدین نتیجه می‌رسند که بیش از نیمی از معاملات بانکی شعب مورد بررسی به نحو صوری انجام می‌شود و نیاز است که بانک‌های کشور نگاهی جدی‌تر به مقوله پرهیز از صوری شدن معاملات خود داشته باشند.

شهنازی و پناهی [۶] با اشاره به این نکته که یکی از مشکلات اجرایی بانکداری اسلامی در ایران امکان صوری شدن قراردادها (در هر دو دسته عقود مشارکتی و مبادله‌ای) و در نتیجه ربوی و غیر اسلامی شدن فعالیت‌های اجرایی بانک است؛ به بررسی میزان صوری بودن قراردادهای بانکی شعب بانک ملت شهر شیراز به تفکیک عقود مورد استفاده پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، صوری شدن عقود بانکداری اسلامی هم در عمل و هم در ذهنیت مشتریان و کارکنان بانک بسیار زیاد است. بر اساس نتایج پرسش‌ها مشتریان و کارکنان بانکی عمدتاً تفاوتی میان نرخ بهره و سود بانکی در بانکداری فعلی قائل نیستند و بانکداری فعلی را با بانکداری ربوی یکسان می‌دانند. از طرفی مواردی که سبب صوری شدن عقود می‌شود، از جمله عدم اطلاع از نوع عقد، فاکتورسازی و عدم مشارکت واقعی بانک در عقود مشارکتی، از نظر مشتریان و کارکنان بانکی در سیستم فعلی بانکداری بسیار زیاد است.

عبدالصمد^۱ [۷] در مقاله «عملکرد بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری متعارف در بحرین» به بررسی عملکرد مقایسه‌ای بانک‌های بدون ربا و بانک‌های متعارف می‌پردازد. شاخص‌های مورد استفاده او در این پژوهش عبارتند از سودآوری، ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی.

معین^۲ [۸] در مقاله «عملکرد بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در پاکستان: مطالعه تطبیقی» به بررسی عملکرد بانکداری اسلامی پاکستان با استفاده از شاخص‌های سوددهی، ریسک، نقدینگی و کارایی در دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته است که بانک اسلامی پاکستان را در مقایسه با پنج گروه بانک‌های متعارف از عملکرد ضعیف‌تری برخوردار بوده است.

آنچه از پیشینه تحقیق برمی‌آید آن است که تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در موضوع صوری‌سازی قراردادهای بانکی، عمدتاً معطوف به ابعاد فقهی و شرعی این چالش بوده و نتیجه‌گیری عمده این تحقیقات آن بوده است که صوری‌سازی قراردادها موجب بطلان عقد و ایجاد شبهات شرعی می‌شود. اما آنچه در این بین کمتر مورد توجه محققین بوده آن است که توصیه بر واقعی اجرا شدن قراردادها و اجتناب از صوری‌سازی آن، اثرات و بازخوردهای اقتصادی در سطح کلان را نیز می‌تواند با خود داشته باشد. این پژوهش سعی دارد، ضمن تایید ابعاد فقهی و شرعی چالش صوری‌سازی قراردادهای بانکی که دستاورد سایر محققین بوده است، این بار از منظر ابعاد اقتصادی به این پدیده شوم اشاره کند.

۳- قصد در معاملات

قصد در لغت به معانی مختلفی همچون استقامت و درستی راه، اعتدال و میانه‌روی، اراده و اختیار و تعمد به کار رفته است [۹] و [۱۰]. کلمه قصد در معانی مختلفی بکار رفته است؛ معنای اول قصد لفظ است؛ کسی که از میان لغات و الفاظ متعدد، الفاظ خاص ایجاب و قبول یک عقد را انتخاب می‌کند، قصد لفظ دارد. معنای دوم، قصد معنا است؛ بدین مفهوم که قصدکننده معانی الفاظ را قصد نموده است. معنای سوم داشتن انگیزه بر انجام فعلی است و معنای چهارم رضایتی به مضمون عقد و طیب

^۱ AbdusSamad

^۲ Moin

نفس به آنچه التزام بدان واقع شده است. بنا به نظر میرزای نائینی معتبر از قصد در عقود از مراتب چهارگانه فوق، دو مرتبه اول است بدین مفهوم که این دو مرتبه از مقومات عقد است [۱۱].

مثال واضح تفاوت این معانی در رفتار فرد گرفتاری است که از روی ناچاری و بر خلاف رضایت قلبی مجبور است مسکن خود را جهت تامین مخارج ضروری درمان بفروش برساند. مسلم است که این فرد از اینکه ناچار به فروش مسکن خود شده است طیب نفس ندارد اما معامله او مبنی بر فروش مسکن صحیح است، چرا که او قصد معنا را دارد و با اختیار درصدد فروش مسکن برآمده است. نکته دیگر این است که لفظ، صرفاً ابزاری برای ابراز رضایت و داشتن قصد معنا است و این ابراز اگر با عملی که گویای قصد داشتن است انجام شود نیازی به بیان لفظ ایجاب و قبول نیست؛ همانگونه که در معاملات روزمره عموماً لفظ ایجاب و قبول در بین خریدار و فروشنده ردوبدل نمی‌شود اما معامله از صحت شرعی برخوردار است. بنابراین آنچه اهمیت دارد داشتن قصد معنا است که می‌تواند با لفظ و یا غیرلفظ ابراز شود.

به بیان دیگر، قصد به مفهوم ایجاد معنا و انشا بنحو فرضی و اعتباری است که توسط زبان یا عمل ابراز می‌شود. امور اعتباری با تصور و انشای ما بوجود می‌آیند و ظرف ایجاد و یا خاتمه آن، اذهان افراد است. بنابراین وقتی در متون حقوقی از قصد به عنوان شرط صحت عقد (و ایقاع) سخن به میان می‌آید، منظور انشا است. به عنوان مثال در عقد بیع وقتی می‌گویند از جمله شرایط صحت این قرارداد، قصد است منظور این است که باید معنایی که حقیقت بیع را تشکیل می‌دهد انشا شده و در ذهن ایجاد گردد [۱۲].

بنابراین جای تردید نیست که در فقه اسلامی یک از ارکان صحت و قوت عقد، داشتن قصد و اراده قلبی و باطنی نزد متعاملین است و اجرای واقعی عقود متصل به قصد طرفین معامله در هنگام انعقاد قرارداد خواهد بود؛ به عبارتی در فقه اسلامی، حقیقت عقود و قراردادها را اعتبار و «قصد» تشکیل می‌دهد. مفاد قاعده «تبعیت عقد از قصد» که از قواعد مهم فقه اسلام است، بیانگر این مفهوم است که اگر یکی از طرفین قرارداد، لفظ یا مدلول آن را قصد کرده ولی قصد انشاء نداشته باشد، عمل او بی‌تاثیر و باطل است. به عبارتی از نظر شرعی، خرید و فروش صوری سبب انتقال مالکیت از فروشنده به خریدار نمی‌شود و مالکیت کالا همچنان برای مالک اول محفوظ خواهد ماند. همچنین در قوانین کشوری نیز به موجب مواد ۱۹۶، ۴۶۳ و ۱۱۴۹ قانون مدنی فقدان قصد انشاء واقعی و درونی، موجب بطلان عقد می‌شود.

قاعده «تبعیت عقد از قصد» به صورت عمده، در کتب قواعد و اصول فقهی مطرح شده است. از جمله مهمترین آنها، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ملا احمد نراقی [۱۳] در کتاب عوائد الایام ضمن اشاره مختصر به معنای قاعده، عمده دلیل آن را اصل عدم ترتب اثر می‌داند و بعد هم به تطبیقات آن پرداخته و سپس به طرح و پاسخ اشکالات این قاعده می‌پردازد. موسوی بجنوردی [۱۴] در کتاب قواعد فقهیه، پس از بیان قاعده، به تشریح دلایل آن می‌پردازد. از نظر ایشان، دلایل دو دسته است که به شدت، دلیل بودن روایاتی مانند «انما الاعمال بالنیات» را برای این قاعده انکار می‌کند. مکارم شیرازی [۱۵] در کتاب قواعد الفقهیه، پس از بیان اجمالی قاعده، دلایل آن را مطرح می‌سازد. ایشان اجماع و روایات را به عنوان مستند قاعده نمی‌پذیرد، بلکه تنها مستند قابل قبول را حکم عقل و عقلاً دانسته که به امضای شارع رسیده است. در انتها، برخی اشکالات مورد بررسی و پاسخ قرار می‌گیرد.

۴- تعریف صوری‌سازی قراردادهای بانکی

قراردادهای بانکی همانند کلیه قراردادها، ترکیبی از قالب و محتوا هستند و در بیشتر موارد، این قالب به صورت لفظ و محتوا به صورت معنا ظهور می‌کند و به طور معمول بین الفاظ و معنای توافق و هماهنگی وجود دارد. به عبارت دیگر، آنچه را طرفین قرارداد قصد می‌کنند به زبان آورده و یا مکتوب می‌کنند؛ ولی در مواردی بین آنچه گفته یا نوشته می‌شود و آنچه قصد می‌شود، تفاوت وجود دارد. در این موارد، این سؤال مطرح است که اصل در قرارداد، لفظی است که تلفظ شده یا معنایی است که قصد شده، و احکام شرعی کدام معامله بر این قرارداد مترتب می‌شود؟ آنچه از دید آموزه‌های اسلام قابل دفاع است معنا و

مقصود طرفین است و احکام شرعی بر معامله مقصود مترتب می‌شود [۱]؛ به بیان دیگر، آنچه برای تحقق و صحت معامله ضروری است، همان قصد انشاء معامله است که به وسیله متعاقبین آشکار شده باشد و نه ظواهر و الفاظ [۱۶]. طبق قاعده «تبعیت عقد از قصد»، در قراردادهای بانکی بانک و مشتری باید نسبت به ماهیت عقد آگاهی کامل داشته باشند و موضوع هر قراردادی را به صورت صحیح قصد نمایند تا احکام و آثار خاص آن عقد جاری شود. عدم توجه به این معنا موجب پدید آمدن عارضه‌ای به نام «صوری‌سازی قرارداد» می‌شود.

برای صوری‌سازی قرارداد تعاریف مختلفی عنوان شده است که در ذیل به بخشی از آن اشاره می‌شود:

- معامله صوری معامله‌ای است که طرفین قصد جدی برای به وجود آوردن آثار حقوقی آن معامله نداشته باشند [۱۷].
 - معامله صوری معامله‌ای است که به هر دلیل، طرفین قرارداد با قصد قبلی یا دفعتاً، پس از انعقاد قرارداد، به طور عمدی اقدام به تخطی از مفاد قرارداد کنند [۱۸].
 - معامله صوری معامله‌ای است که بر اساس قراردادی صورت پذیرد که آن قرارداد حاوی شروط ضمن عقدی باشد که منافی با اصل و مقتضای قرارداد باشد [۱۸].
 - معامله صوری معامله‌ای است که در آن حداقل یکی از طرفین نسبت به مفاد قرارداد جهل داشته باشد، البته جهلی که باعث تخطی (حتی غیرعمدی) از مفاد قرارداد گردد. لازم به ذکر است که جهل اجمالی یا جهلی که آسیبی به اجرای مفاد قرارداد نمی‌زند از مصادیق صوری‌سازی نیست [۱۸].
- از این رو می‌توان به طور مجمل بیان داشت که منظور از صوری شدن قراردادهای بانکی آن است که مشتری با بانک، نیت واقعی در رابطه با قراردادی که امضا می‌کند، نداشته باشد.

۵- مهمترین دلایل صوری‌سازی قراردادهای بانکی

یکی از مشکلات و گرفتاری‌های کنونی نظام بانکی کشور، صوری شدن قراردادهای بانکی است که با توجه به گسترده‌تر شدن فعالیت‌های بانکی در سه دهه اخیر شاهد آن هستیم که در مقیاس بزرگی بر ابعاد آن افزوده شده است. برای تحلیل بهتر موضوع مناسب آن است که در ابتدا دربابیم علت و ریشه ایجاد چنین عارضه‌ای چیست. از جمله مهم‌ترین دلایل صوری‌سازی قراردادهای بانکی در نظام بانکی کشور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- دشواری و پیچیدگی قراردادهای بانکی از حیث متنی، محتوایی و اجرایی برای عموم مشتریان
- آگاهی ناکافی مدیران و کارکنان نظام بانکی نسبت به ماهیت و احکام بانکداری اسلامی
- ضعف فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مشتریان بانکی نسبت به ماهیت و احکام بانکداری اسلامی
- کمبود تنوع در ابزارها و شیوه‌های تأمین مالی و محدودیت دسترسی به منابع مالی در نظام بانکی و در نتیجه عدم توانایی در پاسخگویی مناسب به نیازهای متنوع مشتریان
- نارسایی‌های قانونی و وجود برخی ضوابط و محدودیت‌های مازاد در فرآیند اعطای تسهیلات و تطویل رویه پرداخت به دلیل وجود برخی الزامات غیرضروری
- کمبود ابزارهای مراقبتی و بالا بودن هزینه‌های نظارتی و کنترلی در نظام بانکی ناشی از سیطره نظارت به سبک سنتی و عدم بهره‌گیری از نهادهای تخصصی نظارت و بازرسی
- مشکلات کلان اقتصادی همچون رکود، تورم، بیکاری و ریسک‌های شدید بازار که عامل انگیزشی برای انحراف منابع تسهیلاتی توسط مشتریان است
- مشکلات مربوط به شاخص‌های عملیاتی بانکداری همچون سطح کفایت سرمایه، مدیریت وجوه، مدیریت ریسک، شفاف‌سازی و گزارشگری مالی، بنگاهداری سوداگرانه که عامل ضدانگیزشی برای مراقبت و نظارت نظام بانکی بر هزینه‌کرد منابع تسهیلاتی است

۶- برخی مصادیق صوری سازی قراردادهای بانکی

عمده مباحث مربوط به صوری شدن قراردادهای بانکی متوجه بخش تخصیص منابع است و حوزه تجهیز منابع کمتر درگیر این مبحث می‌شود. به بیان دیگر انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات بانکی مهمترین عرصه رخداد این عارضه است که در ادامه مثال‌هایی در این باب ذکر می‌گردد:

مضاربه: در قرارداد تسهیلات مضاربه‌ای، بانک سرمایه لازم برای تجارت را در اختیار تسهیلات‌گیرنده قرار می‌دهد و در سود و زیان فعالیت تجاری با او شریک می‌شود. در بیشتر موارد بانک‌ها انگیزه و امکانات نظارتی کافی جهت کنترل بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات‌گیرنده ندارد؛ بنابراین برای پوشش ضرر احتمالی، جبران خسارت و تامین سود مدنظر را با شرط ضمن عقد به عهده تسهیلات‌گیرنده قرار می‌دهد. با این صوری‌سازی قرارداد، عملاً آنچه در واقعیت رخ می‌دهد آن است که تسهیلات‌گیرنده فارغ از موضوع عقد مضاربه، مبلغی را از بانک دریافت کرده و همراه با اضافه‌ای آن را به بانک برمی‌گرداند. این رویه باعث می‌شود تسهیلات‌گیرنده منابع تسهیلاتی را در موضوعی خارج موضوع مدنظر قرارداد مضاربه هزینه کند.

مشارکت مدنی: در قرارداد تسهیلات مشارکت مدنی، بانک سرمایه لازم برای فعالیت اقتصادی را به نحو مشارکتی در اختیار تسهیلات‌گیرنده قرار می‌دهد و در سود و زیان آن فعالیت تجاری با او شریک می‌شود. همانند تسهیلات مضاربه، به علت آنکه بانک‌ها انگیزه و امکانات نظارتی کافی جهت رصد فعالیت مشارکتی ندارند با گنجاندن شرط جبران خسارت و تامین سود مدنظر توسط تسهیلات‌گیرنده به صوری شدن عقد مشارکت منجر می‌شوند.

سلف: در قرارداد تسهیلات سلف، بانک باید مبلغی را تحت عنوان تسهیلات به تسهیلات‌گیرنده داده و بنا بر آن می‌شود که کالایی را به بیع سلف در سررسید معین از متقاضی تسهیلات خریداری کند و سپس آن را در بازار به قیمت روز بفروش برساند. عمده بانک‌های ارایه دهنده تسهیلات سلف، امکانات لازم جهت تحویل کالا و فروش آن در بازار را ندارند و از این رو انجام این کار را با وکیل و یا امین کردن تسهیلات‌گیرنده به خود او واگذار می‌کنند. با توجه به هزینه‌بر بودن امر نظارت، عموماً بانک‌ها بر امر تهیه کالا، واگذاری و فروش آن در بازار نظارت نمی‌کنند و مشتری وجه حاصل از فروش را به‌نحو کامل به بانک که صاحب اصلی کالا است پرداخت نمی‌کنند و صرفاً به پرداخت اصل تسهیلات به علاوه حداقل سود انتظاری بانک بسنده می‌کنند که این موجب صوری شدن قرارداد خواهد شد.

فروش اقساطی: در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی، بانک کالای مورد نیاز مشتری را به صورت نقدی خریده و به صورت اقساطی به مشتری می‌فروشد. غالباً بانک متقاضی تسهیلات را وکیل می‌کند تا کالا را برای بانک به صورت نقدی خریداری کرده و سپس از طرف بانک به خود به نحو اقساطی بفروش برساند؛ اما آنچه در واقع رخ می‌دهد آن است که متقاضی به جای آنکه کالای مدنظر را بخرد، با تهیه فاکتور صوری از مراکز فروش و ارایه آن به بانک، مبلغ تسهیلات را دریافت و در مسیر دیگری خارج از موضوع عقد هزینه می‌کند. این نوع صوری‌سازی از متداول‌ترین انواع صوری‌شدن قراردادهای بانکی بحساب می‌آید.

جعاله: در قرارداد تسهیلات جعاله، بانک در مقابل مبلغی معین، انجام عملی را متعهد شده (جعاله اول) سپس آن را با قرارداد جعاله دومی به عامل (پیمانکار) واگذار می‌کند. در عموم موارد بانک، متقاضی تسهیلات را وکیل انعقاد قرارداد برای جعاله دوم می‌کند و متقاضی در جایگاه وکیل بانک، جعل لازم را برای انعقاد جعاله دوم از بانک می‌گیرد. اما بعضاً مشاهده می‌شود متقاضی تسهیلات از ابتدا قصد دارد قرض با بهره بگیرد و به هیچ عنوان قصد انشای جعاله اول یا دوم را ندارد. بنابراین اصلاً جعاله دومی منعقد نمی‌شود و تسهیلات دریافتی صرف موارد دیگری می‌شود. بدیهی است اینگونه موارد به دلیل عدم قصد انشاء، صوری و باطل خواهد بود.

اجاره به شرط تملیک: در قرارداد تسهیلات اجاره به شرط تملیک، بانک مبلغی را در اختیار متقاضی تسهیلات قرار می‌دهد تا به وکالت از بانک، کالایی را برای بانک خریداری کرده و به خود اجاره بشرط تملیک کند. در این قرارداد، اجاره بهای پرداختی فرد شامل اصل مبلغ تسهیلات به علاوه سود آن خواهد بود. اما گاهی مشاهده می‌شود اصلاً خرید کالا و اجاره آن به

متقاضی تسهیلات وجود خارجی ندارد و فرد تسهیلات گیرنده مبلغ دریافتی را در مسیر دیگری هزینه کرده است. بدین ترتیب، قرارداد صوری میان بانک و متقاضی تسهیلات منعقد شده است.

فارغ از مصادیق فوق در بکارگیری تسهیلات اعطایی در غیر محل مشخص شده در قرارداد، نمونه‌های دیگری نیز از صوری‌سازی قراردادهای بانکی وجود دارد که از مهمترین آن می‌توان به مواردی همچون گنجاندن شروطی مخالف مقتضای عقد در ضمن عقد به نحوی که قرارداد از کارکرد و ماهیت اصلی خود فاصله می‌گیرد، قیمت‌گذاری تسهیلات بر اساس سود مدنظر و نه بر اساس قیمت واقعی مانند تعیین قیمت مسکن در عقد فروش اقساطی مسکن بر اساس سود محاسبه شده بانک و نه قیمت واقعی مسکن و یا یکسان در نظر گرفتن نسبت سود بانک و عامل در قراردادهای مشارکتی برای تمامی پرونده‌ها که البته در خصوص این موارد اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد.

۷- وضعیت صوری‌سازی در نظام بانکی کشور

با توجه به ماهیت صوری‌سازی عقود بانکی و عدم ثبت اطلاعات و آمار مرتبط با آن در شبکه بانکی، دسترسی کاملی به وضعیت صوری‌سازی در نظام بانکی وجود ندارد و اطلاعات متمرکز و دوره‌ای توسط مراکز آماری در این خصوص جمع‌آوری و منتشر نمی‌شود. آنچه عموماً نمایی از این وضعیت نشان می‌دهد اطلاعات پرسشنامه‌ای است که به صورت میدانی از کارکنان و مشتریان شعب بانکی منتخب گردآوری می‌شود.

بنا بر نتایج یکی از این تحقیقات، در زمینه فاکتورسازی برای دریافت تسهیلات بانکی در شاخه عقود مبادله‌ای، حدود ۸۳ درصد کارکنان اعتقاد دارند که فاکتورسازی به وسیله مشتریان صورت می‌گیرد. همچنین طبق داده‌های بدست آمده ۷۹ درصد از مراجعه‌کنندگان و مشتریان بانکی بر این باورند که برای گرفتن وام‌هایی که نیاز به ارایه فاکتور دارد، فاکتورسازی صورت می‌گیرد. همچنین ۵۷ درصد تسهیلات‌گیرندگان عنوان داشته‌اند که تسهیلات دریافتی از بانک را در مقصدهایی غیر از آنچه در مفاد قرارداد ذکر شده بود، هزینه کرده‌اند.

همچنین در زمینه غیرواقعی بودن مشارکت بانکی آمار نشان می‌دهد که ۷۰ درصد کارکنان موافق این نکته‌اند که بانک در تسهیلات مشارکتی، در زیان تسهیلات‌گیرنده شریک نمی‌شوند؛ همچنین این باور در بین مشتریان بانکی فراتر از این مقدار رفته و به حدود ۸۱ درصد می‌رسد [۱۹].

۸- نمونه تجربی از صوری‌سازی در قراردادهای بانکی

یکی از نمونه‌های صوری‌سازی در قراردادهای بانکی به طرح گسترش بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین و انحراف منابع تسهیلاتی از اهداف تعیین شده آن برمی‌گردد. آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین از سال ۱۳۸۴ با هدف توزیع عادلانه منابع در مناطق محروم، افزایش تولید و صادرات، تقویت تحرک اقتصادی و افزایش کارایی تسهیلات بانکی و افزایش اشتغال شروع شد. مطابق ماده ۳ این آیین‌نامه، بانک مرکزی موظف شده بود ترتیبی اتخاذ نماید که در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه، حداقل سهم مشخصی از منابع اعتباری بانک‌ها به طرح‌های بنگاه‌های کوچک موضوع این آیین‌نامه اختصاص یابد.

عدم برنامه‌ریزی مناسب همراه با تعجیل در اجرا، موجب شد صوری‌سازی تسهیلات بانکی و انحراف آن از اهداف اصلی رشد زیادی داشته باشد بنحوی که از آن به عنوان یکی از عوامل اصلی نوسانات در بازار دارایی‌هایی نظیر مسکن در دوره‌های بعد یاد می‌شود [۲۰].

براساس این طرح، مقرر گردیده بود که سالانه بخشی از منابع بانکی (بانک‌های دولتی و خصوصی شده فعلی) به صورت استانی توزیع شود و کارگروه‌های اشتغال استانی موظف به معرفی متقاضی مربوطه جهت بهره‌مندی از این تسهیلات به بانک‌های عامل بودند و فرض بر این بود که کارگروه مربوطه، طرح تولیدی بهره‌مند از تسهیلات بانکی را تا مرحله اتمام پروژه و بهره‌برداری رسیدن رصد می‌نمایند و در صورت تکمیل طرح و حصول اشتغال مورد تعهد، یارانه سود تسهیلات از سوی

کارگروه اشتغال استان به متقاضی پرداخت شود. بر اساس آخرین گزارش عملکرد تسهیلات اعطائی بانک‌های عامل به بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در پایان خردادماه سال ۱۳۹۳، کل تسهیلات پرداختی از آغاز اجرای آیین‌نامه مزبور (سال ۱۳۸۴) تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۳ به ۲۹۵.۸ هزار میلیارد ریال رسیده است. بررسی گزارش ارزیابی عملکرد آئین‌نامه مزبور نشان می‌دهد، انحراف تسهیلات اعطائی به بنگاه‌های مورد مطالعه از سطح بالایی برخوردار است. براساس گزارش فوق از مجموع ۷۹۳ نمونه طرح مورد بررسی، میزان انحراف بر حسب مبلغ و تعداد به ترتیب ۴۰ و ۳۹ درصد بوده است.

از مهم‌ترین علل انحراف و عدم صرف تسهیلات بانکی در محل طرح می‌توان به اصرار مقامات محلی غیربانکی در تصویب طرح‌ها در قالب فرآیندی با بررسی توجیه فنی، مالی و اقتصادی ضعیف، حجم فراوان طرح‌های ارجاعی به بانک‌ها و اصرار بر سرعت عمل در تصمیم‌گیری و لاجرم عدم امکان ارزیابی صحیح طرح‌ها توسط بانک‌ها، تنوع دستگاه‌های اجرائی معرفی‌کننده بنگاه تولیدی به بانک، اعمال فشار دستگاه‌های اجرائی و عدم اهلیت فنی و یا مالی برخی از متقاضیان معرفی شده توسط دستگاه‌های اجرائی به بانک عامل اشاره داشت [۲۰].

۹- نقش صوری‌سازی قراردادهای بانکی در اقتصاد بخش تولید

در یک نظام اقتصادی، رسالت اصلی شبکه بانکی، واسطه‌گری وجوه به معنای جذب نقدینگی سرگردان و مازاد و هدایت و تخصیص هدفمند آن در قالب اعتبارات به متقاضیان وجوه است. در کنار این امر مهم انجام اموری همچون تسهیل جریان پرداخت‌ها، مدیریت ریسک، مدیریت وجوه شرکتی و کمک به اجرای سیاست‌های پولی از دیگر اقدامات شبکه بانکی است.^۴ تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که افزایش تسهیلات و اعتبارات در یک بخش اقتصاد موجب افزایش ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و اشتغال در آن بخش می‌شود. البته مسلم است که نقش مدیریت، دانش و فناوری، برنامه‌ریزی و شرایط محیطی در ارتقای شاخص‌های بخش‌های اقتصادی هم حائز اهمیت است، اما بدون شک، یکی از مهمترین نیازمندی‌های رشد این بخش‌ها، تامین مالی و تامین نقدینگی و سرمایه در گردش است که در اقتصاد ایران عمده بار آن بر دوش نظام بانکی نهاده شده است.

بنابراین نمی‌توان منکر نقش و اثرگذاری اعتبارات در پیشبرد شاخص‌های بخش تولیدی اقتصاد و بهبود سطح اشتغال شد. به عنوان نمونه بطور متوسط یک درصد افزایش در اعتبارات جاری در بخش کشاورزی^۵، سه متغیر ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و اشتغال این بخش را به ترتیب ۰،۰۹۴، ۰،۰۵۷ و ۰،۰۰۶ درصد افزایش می‌بخشد. همچنین یک درصد افزایش اعتبارات سرمایه‌ای در این بخش موجب افزایش این سه متغیر به ترتیب ۰،۰۰۴، ۰،۴۱ و ۰،۰۰۲ درصد می‌شود [۲۱].

همچنین بررسی‌های کلی‌تر در اقتصاد ایران نشان می‌دهد اعطای تسهیلات بانکی به جریان تولید به صورت سرمایه در گردش در کوتاه‌مدت به دلیل ثابت بودن حجم سرمایه، موجب افزایش اشتغال می‌شود، اما در بلندمدت که جریان اعتبار و تسهیلات تبدیل به سرمایه ثابت می‌شود، تغییرات فناوری را به همراه دارد. در صورتیکه این تغییرات خنثی باشد، اشتغال ثابت باقی می‌ماند و در غیر اینصورت موجب تغییر در سطح اشتغال خواهد شد. در مجموع می‌توان گفت برحسب مطالعه آماری اقتصاد ایران، بکارگیری صحیح و بهینه جریان تسهیلات و اعتبارات قادر به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، درآمد و اشتغال است؛ البته کارایی نظام پولی و مالی و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی شرط لازم و کافی برای دستیابی به این آثار مثبت اقتصادی است [۲۲].

^۴ موضوع مورد اشاره در این بخش، شبکه بانکی است و در این مرحله ورودی به اقدامات بانک مرکزی (زیر مجموعه نظام بانکی) از جمله ایجاد ثبات پولی و مالی، حفظ ارزش پول ملی، سیاست‌گذاری پولی و ... نخواهیم داشت.

^۵ تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی عمدتاً به دو شکل پرداخت می‌شود: تسهیلات جاری (کوتاه‌مدت) که برای مصارفی از قبیل شخم، خرید بذر، کود و سموم و سایر موارد پرداخت می‌گردد؛ و تسهیلات سرمایه‌ای (بلندمدت) که غالباً برای خرید انواع ماشین‌آلات کشاورزی، حفظ اراضی و جلوگیری از فرسایش خاک، ایجاد سیلو و سردخانه و سایر موارد پرداخت می‌شود.

با نگاهی به چالش‌های صورتی‌سازی قراردادهای بانکی می‌توان به این نکته پی برد که صورتی‌سازی در ابعاد اقتصادی، می‌تواند تهدیدی برای اثرگذاری نقش تسهیلات بانکی در پیشبرد بخش تولید و اشتغال اقتصاد باشد. در ادامه به مهمترین کانال‌های این اثرگذاری اشاره می‌شود.

۹-۱- تسهیلات عقود مشارکتی

در قراردادهای تسهیلات مشارکتی همچون تسهیلات مشارکت مدنی و مضاربه، بانک می‌بایست منابع مالی فعالیت اقتصادی را به نحو مشارکتی در اختیار مشتریان قرار دهد و به نحو واقعی در سود و زیان آن فعالیت اقتصادی با او شریک شوند. رهاسازی تسهیلات‌گیرنده و عدم مراقبت و نظارت جدی بر نحوه هزینه‌کرد منابع، گنجاندن شروط جبران خسارت تحت هر شرایطی و عدم مشارکت در زیان فعالیت اقتصادی باعث می‌شود تسهیلات‌گیرنده، این امکان را داشته باشد تا تسهیلات را در مسیر دیگری جدا از آنچه در متن قرارداد ذکر شده است، مصرف نماید. این عامل باعث می‌شود چنانچه بنابر برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی، قرار باشد مقدار مشخصی منابع مالی به بخش خاصی از تولید و یا ساخت و ساز با هدف ارتقای رشد اقتصادی و سطح اشتغال‌زایی تخصیص یابد، منابع از مسیر خود منحرف شده و در زمینه‌ای متفاوت از زمینه مدنظر سیاستگذار مصرف و هزینه شود.

جدا از مرحله اجرای قراردادهای بانکی، بخشی از علل صورتی‌سازی قراردادهای بانکی ناشی از متن قراردادها و مفاد مندرج در آن است. در اینجا به عنوان نمونه به ماده ۱۱ فرم قرارداد مشارکت مدنی^۶ اشاره می‌شود. در این ماده آمده است: «شریک با امضای این قرارداد متعهد گردید؛ مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به‌نحوی که به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلقه بانک/موسسه اعتباری به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، مندرج در برگ درخواست تسهیلات مورخ به حساب بانک/موسسه اعتباری منظور گردد. در غیر این صورت شریک ملتزم و متعهد گردید؛ سهم‌الشرکه متعلقه بانک/موسسه اعتباری به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک/موسسه اعتباری را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید».

اقتضای عقد شرکت، مشارکت طرفین در سود و زیان است در حالیکه در این ماده با تضمین سود قطعی برای بانک، فارغ از انجام مشارکت واقعی و تسهیم سود و زیان به نحو حقیقی، شرطی مخالف روح و مقتضای شرکت گنجانده شده است و به همین دلیل چنین شرطی باطل خواهد بود. همچنین این شرط اصطلاحاً صلح ربوی است و باید توجه داشت که با صلح نمی‌توان ربا را به غیر ربا تبدیل کرد. به عبارتی سود زمانی مورد مصالحه طرفین قرار می‌گیرد که اصل سود محرز شده باشد و حد وسطش مصالحه می‌شود؛ اما در جایی که می‌دانیم پروژه یا فعالیت تولیدی با زیان مواجه شده و اصلاً سودی حاصل نشده است، مصالحه بر سود، علاوه برآنکه مصداق صلح ربوی است، مصداق اکل مال به باطل بوده و ماهیت عقد شرکت را دچار تحول و دگرگونی خواهد کرد. افزون بر شبهه شرعی این ماده، این نکته حائز اهمیت است که تضمین سود برای بانک در عقود مشارکتی، موجب خیال‌جمعی بانک و عدم لزوم انجام نظارت، رصد و پیگیری بر نحوه هزینه‌کرد منابع توسط تسهیلات‌گیرنده در مسیری که برای آن طراحی و تدبیر شده است می‌شود و این موضوع موجب انحراف منابع از تابع هدف سیاستگذار و بانک خواهد شد.

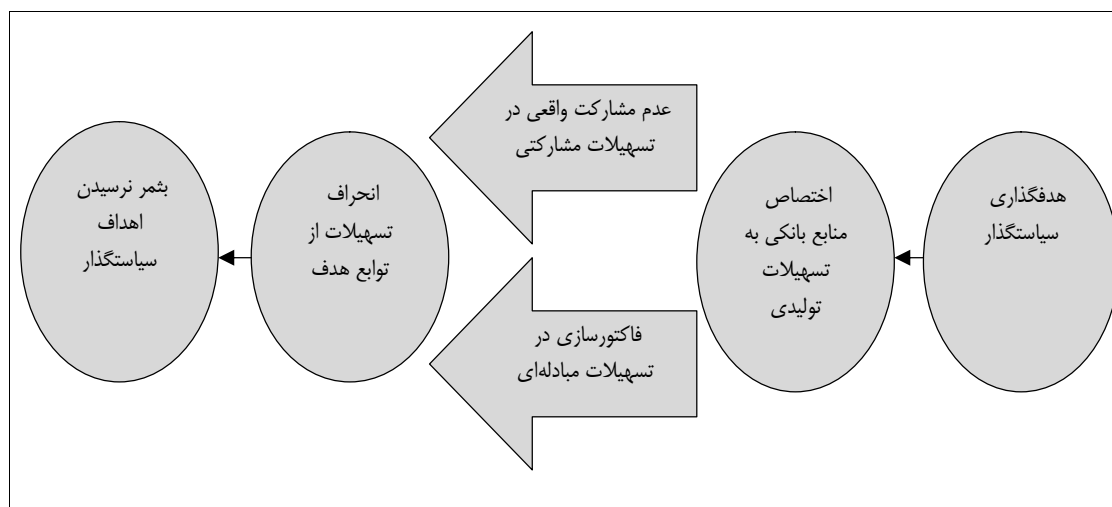
به هرتقدیر مشخص است که عدم مشارکت واقعی در عقود مشارکتی، مصداق صورتی‌سازی در قرارداد و بار شدن اثرات حقوقی پیش‌گفته بر آن است که ضمن شبهه‌دار کردن شرعی منابع منتقل شده، در روند سیاستگذاری کلان اقتصادی نیز ایجاد خلل و چالش می‌کند.

شورای پول و اعتبار در یک‌هزار و یکصد و شصت و پنجمین جلسه مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ در راستای اجرای تبصره ذیل ماده ۲۳ قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۹۰، فرم قرارداد مشارکت مدنی را در ۲۸ ماده و ۹ تبصره به تصویب رساند و مقرر شد از تاریخ ۲ آذر ۱۳۹۲ تمامی قراردادهای مربوط به عقد مشارکت مدنی صرفاً براساس فرم واحد، تنظیم و منعقد گردد.

۹-۲- تسهیلات عقود مبادله‌ای

مهمترین شکل بروز چالش صوری‌سازی در تسهیلات عقود مبادله‌ای که عموماً مربوط به تسهیلات کوتاه‌مدت است، مربوط به فاکتورسازی توسط مشتریان است. به عنوان نمونه ممکن است سیاست‌گذار با اعطای اعتبارات به خرید لوازم خانگی ایرانی در قالب قرارداد مرابحه بانکی، تولید و اشتغال‌زایی این بخش را هدف‌گذاری کند؛ حال چنانچه با فاکتورسازی و صوری‌سازی قراردادهای مذکور، مشتریان نظام بانکی صرفاً با ارایه یک فاکتور غیرواقعی، تسهیلات را از نظام بانکی اخذ کرده و در مسیری همچون اجاره و رهن مسکن، سفر و تفریحات، خرید خودرو و غیره هزینه کنند مسلم است که سیاستگذار به هدف خود نرسیده و اعتبارات تخصیص داده شده به مقصد مطلوب نخواهد رسید.

به عبارتی هنگامیکه برای تامین مالی نیازهای غیرتولیدی راهکاری اندیشیده نمی‌شود، افراد به ناچار با فاکتورسازی و صوری‌سازی قراردادهای بانکی سعی می‌کنند از منابع تخصیص داده شده به بخش تولید، در جهتی متفرقه استفاده نمایند. بدیهی است سیاستگذاری بخش تولید در زمینه تامین نقدینگی برای این بخش و نجات اقتصاد کشور از چرخه رکود و بیکاری، مستلزم توجه به نحوه تامین مالی سایر نیازهای مشتریان بانکی به منظور عدم انحراف در تابع هدف تسهیلات تولیدی است. در مجموع می‌توان چنین بیان کرد که صوری‌سازی قراردادهای بانکی خصوصاً در تسهیلاتی که برای رونق بخش تولید و ایجاد اشتغال در نظر گرفته شده است افزون بر مباحث و شبهات شرعی، در روند و مسیر سیاستگذاری اقتصادی با هدف ارتقای سطح تولید و اشتغال نیز ایجاد مشکل و وقفه می‌کند. از این رو می‌توان چنین برداشت کرد که صوری‌سازی نه تنها از حیث رعایت اصول و موازین شرعی بانکداری اسلامی، بلکه از حیث رعایت اصول اقتصادی و برنامه‌ریزی مالی نیز امری مذموم و وقفه‌آفرین است که می‌بایست رفع آن در راس سیاست‌های بانکداران و مدیران امر قرار گیرد.



نمودار شماره ۱ - نقش صوری‌سازی قراردادهای بانکی در بثمر نرسیدن اهداف سیاستگذار

۱۰- نقش صوری‌سازی قراردادهای بانکی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای

وجود مناطق مختلف در کشور با تنوع هویت فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی و اجتماعی موجب می‌شود که سیاست‌های اقتصادی در قالب برنامه‌ریزی‌ای به نام برنامه‌ریزی منطقه‌ای شکل بگیرد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرآیندی در جهت تنظیم و تقریر برنامه‌های مختلف با نیازها و امکانات محلی و منطقه‌ای است؛ در واقع برنامه‌ریزی منطقه‌ای تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در طرح‌ها در سطح منطقه و با هدف توسعه مناطق مختلف در انطباق با برنامه‌های کلان ملی است.

در اقتصاد ایران، با توجه به توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی متفاوت استان‌های کشور، برخی از سیاست‌های آمایشی صرفاً برای برخی از استان‌ها اتخاذ شده و از تعمیم آن به تمام سطح کشور اجتناب شده است. این سیاست‌های اقتصادی خصوصاً در بخش کشاورزی و صنعت و معدن بیشتر بروز و ظهور داشته است. از آنجاکه در اقتصاد بانک‌محور ایران، نظام بانکی متولی واسطه‌گری مالی و تامین منابع مالی بخش‌های تولیدی در اقتصاد کشور شده است، بعضاً مشاهده می‌شود که سیاست تامین مالی صنعتی خاص در یک یا چند استان خاص اتخاذ و به اجرا می‌رسد. حال چنانچه مشتریان بانکی با صورتی‌سازی قراردادهای بانکی منابع تسهیلاتی را در منطقه مدنظر هزینه نکنند و آن را به منطقه‌ای دیگر منتقل کنند، مسلماً برنامه‌ریزی منطقه‌ای به اهداف خود نخواهد رسید. به عنوان نمونه فرض شود شبکه بانکی استان مرکزی قصد داشته باشد مبلغ مشخصی از تسهیلات را در اختیار بخش کشاورزی این استان به منظور افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی و بهبود اشتغال روستایی قرار دهد؛ حال چنانچه تسهیلات گیرندگان با صورتی‌سازی قراردادهای بانکی، تسهیلات دریافتی را در مسیر خرید زمین و مسکن در استان گیلان یا مازندران صرف نمایند، بدیهی است برنامه‌ریزان منطقه‌ای به هدف پیش‌بینی شده خود در استان مرکزی نخواهند رسید و چه بسا برنامه‌ریزی استان‌های گیلان و مازندران نیز تحت تاثیر این اقدام قرار گرفته و دچار اختلال و آسیب شود.

۱۱- راهکارهای کاهش صورتی‌سازی

مشخص شد که صورتی‌سازی قراردادهای بانکی، افزون بر شبهات و مشکلات شرعی، قادر است بر بخش تولید و اشتغال اقتصاد نیز اثرگذاری نامساعدی داشته باشد که البته این اثرگذاری در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای به شکل شدیدتری قابل تبیین است. حال در این بخش به مهمترین راهکارهای کاهش صورتی‌سازی با هدف تقلیل آثار و عوارض اقتصادی آن اشاره می‌شود.

الف) نظام بانکی بایستی همانند سوپرمارکتی باشد که برای تمام درخواست‌های متقاضیان تسهیلات ابزار و قراردادی جهت پاسخگویی داشته باشد. به عنوان مثال اگر مشتری متقاضی یک نوع خاص از تسهیلات (مانند تسهیلات هزینه‌های درمانی) است، می‌بایستی متناسب با آن نیاز، نظام بانکی پاسخگو باشد و نه آنکه استفاده صورتی از تسهیلات جعاله مسکن یا مضاربه به وی توصیه شود.

البته نیاز نیست که هر بانک و یا هر شعبه، ارائه‌دهنده تمامی خدمات باشد. با دسته‌بندی و تخصصی شدن بانک‌ها، مشتری برحسب نوع نیاز خود به بانک مربوطه مراجعه می‌کند. به عنوان نمونه اگر مشتری کشاورزی باشد که در پی دریافت تسهیلات برای زراعت خود است، باید به بانک تخصصی مربوطه مراجعه کند و یا اگر متقاضی تسهیلات، مصرف‌کننده خرد و نهایی است بایستی متناسب با نیازش با بانک مربوطه در ارتباط باشد. دسته‌بندی و تخصصی شدن بانک‌ها می‌تواند این مسیر را هموارتر نماید.

ب) در هر عقدی پیچیدگی‌هایی وجود دارد که برای مشتریان تبیین نشده است. کاستن پیچیدگی‌های عقود، روان‌سازی قراردادها برای مشتریان جهت آشنایی و توجه به ماهیت عقود می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. جهت کاهش پیچیدگی‌های عقود توصیه می‌شود مهم‌ترین مواد مندرج در قرارداد که به منزله ارکان قرارداد است در یک صفحه تنظیم و با دقت توسط مشتری مطالعه شود و در پیوست، متن قرارداد با تمام جزئیات آن درج شود. این اقدام سبب می‌شود متقاضی متوجه شود در قالب چه قراردادی از بانک تسهیلات اخذ می‌کند و مهم‌ترین ارکان آن چیست و طبعاً در صورتی که قصد معامله خاصی را داشته باشد آن معامله صورتی نخواهد بود.

ج) بخشی از مشکل صورتی‌سازی ناشی از عدم آگاهی و اطلاعات ناشی از عدم دریافت آموزش نسبت به ماهیت قضیه و مفاد و ارکان قراردادهای بانکی است. آموزش کارکنان بانکی از یکسو و فرهنگ‌سازی و آموزش همگانی مشتریان بانکی با کمک رسانه‌های جمعی از سوی دیگر موجب می‌شود اثرات سوء صورتی‌سازی و شبهه‌ناک شدن قراردادهای بانکی بهتر مشخص شود و طرفین در زمینه پیشگیری از این رویداد اقدام موثرتری به انجام رسانند.

همچنین می‌توان سازوکاری طراحی نمود که بانک موظف باشد قبل از انعقاد قرارداد، ماهیت آن را به صورت اجمالی برای مشتریان توضیح دهد. بدین طریق می‌توان در هر شعبه فردی را در نظر گرفت که مسئولیت توضیح قراردادها برای مشتریان را برعهده داشته باشد. از آنجایی که احکام معاملات نسبت به سایر مسائل فقهی از پیچیدگی خاصی برخوردار هستند و باید مورد مطالعه و آموزش قرار گیرند، لذا نهادهای مالی باید این موضوع را جدی بگیرند.

د) با برداشته شدن محدودیت‌های غیرضروری از قراردادها می‌توان زمینه‌سازی را تقلیل بخشید. اگر در مفاد قانون و دستورالعمل‌ها، تا جایی که شرع به کارگزار اجازه می‌دهد امکان ورود و استفاده از قراردادها وجود داشته باشد، در نتیجه چیزی به عنوان فاکتورهای صوری وجود نخواهد داشت. به عنوان نمونه وقتی شرع اجازه استفاده از عقود برای معامله کالاها را می‌دهد، لزومی ندارد نظام بانکی حیطة اعطای تسهیلات را محدود به کالاهای دست اول کرده و با ایجاد تنگنا زمینه سوق‌دهی مشتریان به تهیه فاکتور صوری را فراهم سازد.

همچنین طبق نظر بسیاری از فقها و طبق ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه می‌توان از ظرفیت عقد مرابحه جهت تأمین و ارائه امور خدماتی مورد نیاز جامعه بهره جست. پوشش تأمین مالی خدمات از طریق مرابحه یکی دیگر از راهکارهای پاسخگویی قانونی و شرعی به نیاز مشتریان و کاهش زمینه‌های صوری‌سازی قراردادهای بانکی است.

ه) متأسفانه عقود مشارکتی که در حال حاضر در نظام بانکی ما پیاده می‌شود، با دستورالعمل‌های اجرایی و آنچه در قانون است، کاملاً متفاوت است و این امر زمینه صوری شدن قراردادها را فراهم می‌سازد. تجربه نظام بانکی ایران نشان داده است که عدم نظارت موثر و کارا صوری شدن قراردادها را به امری شایع و در عین حال پذیرفته شده تبدیل کرده است. از این‌رو توجه به مقوله نظارت خصوصاً در عقود مشارکتی ضروری است. بررسی اسناد و مدارک و نظارت بر نحوه هزینه‌کرد وجوه در عقود مشارکتی مانع انحراف سرمایه‌ها از محتوایی می‌شود که قرارداد برای آن قصد شده است. لذا هدایت سرمایه‌ها در عقود مشارکتی به سمت آنچه که در متن قرارداد ذکر شده است، از صوری شدن این عقود تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند.

و) قانونگذار می‌بایستی استانداردها و نحوه احراز و تفکیک اسناد صوری از اسناد واقعی عقود را از لحاظ شرعی اعلام نموده و برای آن سازوکاری دقیق تعیین نماید. ایجاد سامانه ثبت، ارزیابی و صحت‌سنجی اسناد و مدارک بانکی به صورت سیستماتیک و یکپارچه می‌تواند در این مسیر موثر واقع شود.

ز) یکی از راهکارهای دیگر برای کاهش صوری‌سازی قراردادهای بانکی، محول‌سازی بخشی از فعالیت‌های بانکی به موسسات و نهادهای تخصصی مالی غیربانکی با امکان نظارتی و کنترلی قوی‌تر است. به عنوان نمونه در خصوص تسهیلات خرید خودرو یک روش برای جلوگیری از به انحراف رفتن منابع، این است که از امکانات شرکت‌های لیزینگ خودرو استفاده شود؛ چراکه این شرکت‌ها با توجه به حیطة تخصصی و متمرکز خود و وجود کارشناسان متخصص این امر، در مدیریت امور و جذب وثیقه‌های اطمینان‌بخش عموماً بهتر عمل می‌نمایند. نکته حائز اهمیت آن است که باید بر نحوه فعالیت اینگونه موسسات و نهادهای تخصصی هم نظارت دقیقی وجود داشته باشد تا از ایجاد چالش‌های دیگر جلوگیری بعمل آید.

ح) انگیزه مشتریان در استفاده غیرواقعی از منابع تسهیلاتی در مسیر دیگر و عدم انگیزه نظام بانکی در امر نظارت و رصد قراردادها بی‌تردید از شرایط و وضعیت کلان اقتصادی نیز تأثیرپذیر است. به عبارتی شرایط کلان اقتصادی همچون وضعیت تورم، رکود و بیکاری می‌تواند انگیزه‌ای برای مشتریان بانکی در صوری‌سازی قراردادها و انحراف منابع تسهیلات در خارج مسیر مقرر شده در قرارداد موثر باشد. از سوی دیگر، شرایط نامساعد نظام بانکی از حیث شاخص‌های کفایت سرمایه، مدیریت منابع، مدیریت ریسک، مطالبات معوق، موسسات غیرمجاز مالی و غیره می‌تواند انگیزه و توان نظام بانکی را در مراقبت و نظارت بر صحت شرعی قراردادها تقلیل ببخشد. از این‌رو رفع کامل چالش صوری‌سازی قراردادها نیازمند بهبود وضعیت کلان اقتصاد کشور و شرایط مالی و مدیریتی نظام بانکی است.



نمودار ۲ - راهکارهای کاهش صوری سازی قراردادهای بانکی

۱۲- جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از چالش‌های نظام بانکداری بدون ربا در کشور که عمدتاً در بخش تخصیص منابع و اعطای تسهیلات نمود یافته است، مسئله «صوری سازی قراردادهای بانکی» است. صوری بودن بسیاری از معاملات، سبب شده است که نظام بانکی از دستیابی به هدف مورد نظر در قانون عملیات بانکی بدون ربا دورتر شده و جامعه نسبت به عملکرد نظام بانکی کشور در جهت انطباق با شریعت اسلامی رضایت مطلوبی نداشته باشند.

آنچه تاکنون بیشتر در خصوص چالش صوری سازی قراردادهای بانکی سخن به میان آمده است متوجه ابعاد شرعی این موضوع بوده است. نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که صوری سازی قراردادهای بانکی موجب ابطال آن و ایجاد شبهات شرعی و مسئولیت طرفین معامله می‌شود. این دغدغه‌ای است که بارها از سوی کارشناسان و مراجع دینی مورد انتقاد قرار گرفته است. نکته مورد اشاره این است که ابعاد اقتصادی صوری سازی قراردادهای بانکی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با نگاهی به اثرات صوری سازی قراردادهای بانکی در انحراف منابع بانکی، می‌توان به این نکته پی برد که صوری سازی در ابعاد اقتصادی، می‌تواند تهدیدی برای اثرگذاری نقش تسهیلات بانکی در پیشبرد بخش تولید و اشتغال اقتصاد باشد.

صوری سازی و عدم مشارکت واقعی بانک در قراردادهای مشارکتی باعث می‌شود تسهیلات گیرنده، این امکان را داشته باشد تا تسهیلات را در مسیر دیگری جدا از آنچه در متن قرارداد ذکر شده است، مصرف نماید. این عامل باعث می‌شود چنانچه بنا بر برنامه ریزی‌های کلان اقتصادی، قرار باشد مقدار مشخصی منابع مالی به بخش خاصی از تولید و یا ساخت و ساز با هدف ارتقای رشد اقتصادی و سطح اشتغال‌زایی تخصیص یابد، منابع از مسیر خود منحرف شده و در زمینه‌ای متفاوت از زمینه مدنظر سیاستگذار مصرف و هزینه شود؛ و یا در تسهیلات عقود مبادله‌ای چنانچه سیاست‌گذار با اعطای اعتبارات خاص، تولید و اشتغال‌زایی را هدف گذاری کرده باشد، با فاکتور سازی و صوری سازی قراردادهای مذکور، مشتریان صرفاً با ارایه یک فاکتور غیرواقعی، منابع تسهیلاتی را در مسیری جدا از تابع هدف سیاستگذار هزینه می‌کنند و این موجب آن می‌شود که سیاستگذار به هدف تولیدمحور و اشتغال‌زای خود دست نیابد.

نکته دیگر به نقش صوری سازی قراردادهای بانکی در برنامه ریزی منطقه‌ای اشاره دارد. چنانچه بر اساس این نوع برنامه ریزی، سیاست تامین مالی صنعتی خاص در یک یا چند استان خاص اتخاذ شود، اما مشتریان بانکی با صوری سازی قراردادهای بانکی منابع تسهیلاتی را در منطقه مدنظر هزینه نکنند و آن را به منطقه‌ای دیگر منتقل کنند، مسلماً برنامه ریزی

منطقه‌ای به اهداف خود نخواهد رسید و این نیز به یکی دیگر از چالش‌های بهبود وضعیت تولید و اشتغال در کشور بدل خواهد شد.

این مقاله در انتها به برخی از راهکارهای کاهش چالش‌های صورتی‌سازی قراردادهای بانکی اشاره داشته است که از مهمترین آن می‌توان به تنوع‌بخشی انواع تسهیلات و خدمات بانکی، روان‌سازی قراردادهای بانکی و کاستن از پیچیدگی‌های متن‌های آن، فرهنگ‌سازی و آموزش کارکنان و مشتریان، حذف برخی محدودیت‌های موجود در اعطای تسهیلات بانکی، نظارت موثر و کارا بر نحوه هزینه‌کرد منابع تسهیلاتی، ایجاد سامانه ثبت، ارزیابی و صحت‌سنجی اسناد و مدارک بانکی، تحویل بخشی از فعالیت‌ها به موسسات و نهادهای تخصصی مالی، بهبود شرایط کلان اقتصاد همچون کنترل تورم، رونق‌بخشی به تولید و افزایش سطح اشتغال و بهبود شاخص‌های نظام بانکی همچون شاخص‌های کفایت سرمایه، مدیریت منابع، مدیریت ریسک، مطالبات معوق، موسسات غیرمجاز مالی و غیره اشاره داشت.

مراجع

- [۱] تسخیری، م. جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸ .
- [۲] موسویان، ع. ارزیابی قراردادهای و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصادی اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۸۴.
- [۳] محقق، م. درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی چهارم، ۱۳۹۰.
- [۴] آهنگران، م. نگاهی نوین به قاعده «تبعیت عقد از قصد» با تاکید بر کاربردهای آن در بانکداری اسلامی، دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- [۵] نظریور، م. و م. یوسفی شیخ رباط و م. ابراهیمی، شاخص‌های صورتی شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال چهاردهم، شماره ۳، ۱۳۹۳.
- [۶] شهنازی، ر. و م. پناهی، سنجش میزان صورتی بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.
- [۷] AbdusSamad (۲۰۰۴) Performance of Interst-free Islamic Banking Vis-a-Visinterst-Based Conventional Banks of Bahrain, IIUM Journal of Economics and Management.
- [۸] Moin, Muhammad Shehzad (۲۰۰۸) Performance of Islamic Banking in Pakistan: A Comparative Study, School of Technologand Society.
- [۹] ابن منظور، م. لسان العرب، ج سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق، ص ۳۵۳.
- [۱۰] راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، انتشارات طلیعه نور، ۱۴۲۷ق، ص ۶۷۲.
- [۱۱] الاملی، م. المکاسب و البیع، تقریر اباحت الاستاد الاعظم المیرزا النائینی، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۰۴-۴۰۵.
- [۱۲] ایروانی، ع. حاشیه المکاسب، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۷.
- [۱۳] نراقی، ا. عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- [۱۴] موسوی بجنوردی، ح. القواعد الفقهیة، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
- [۱۵] مکارم شیرازی، ن. القواعد الفقهیة، چاپ سوم، قم: نشر مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۱۱ق.
- [۱۶] ابن قیم الجوزیه، ش. اعلام الموقعین عن رب العالمین، دارالجیل، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱۹.
- [۱۷] جعفری لنگرودی، م. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۸.
- [۱۸] حقیقی، م. تحلیل صورتی‌سازی قراردادهای در عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی بانک‌های دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

- [۱۹] شهنازی، ر. و م. پناهی، سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۳۹۵، ص ۱۹۱ و ۱۹۴-۱۹۵.
- [۲۰] سیف، و. متن سخنرانی در همایش بنگاه‌های کوچک و زودبازده با تاکید بر جایگاه شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصاد کشور، خبرگزاری مهر ۱۳۹۳/۰۵/۲۰، شناسه خبر ۲۳۴۸۰۳۱، ۱۳۹۳.
- [۲۱] نگین‌تاجی، ز. و م. امیدکیا، اثر تسهیلات بانکی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۹۲، ص ۸۵.
- [۲۲] طیبی، ک.، م. ساطعی و پ. صمیمی، تاثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۴، ۱۳۸۹.